

بسم الله الرحمن الرحيم

قواعد عربی نهم

این قواعد با توضیح کامل و بیشتر و جهت یاری شما در

کتاب عربی نهم

موفق باشید...

قواعد عربی نهم

۱- وزن و حروف اصلی در عربی نهم...

نکته ۱: حروف اصلی (= ریشه)

بیشتر کلمات عربی « ۳ حرف اصلی » دارند .

به این ۳ حرف اصلی ریشه ی کلمه گفته می شود .

مثلاً:

ریشه ی عالم ، « علم » است

ریشه ی منصور ، « نصر »

ریشه ی مدرسه ، « درس »

ریشه ی رحیم ، « رحم »

اگر ریشه ی یک کلمه را نمی دانید با کمک **کلمات هم خانواده** ی آن می توانید ریشه ی کلمه را به دست آورید .

در حقیقت ریشه یا حروف اصلی یک کلمه ، « ۳ حرف مشترک » است که در کلمات هم خانواده ، « به ترتیب » تکرار می شوند .

قواعد عربی نهم

به جدول زیر دقت کنید :

ریشه	کلمات هم خانواده	ریشه	کلمات هم خانواده
ر ج ع	راجع / رُجوع / امراجع	ن ظ ر	ناظر / منظور / انظیر
ج ه د	جاهد / مجاهد / اجتهاد	ن ص ر	ناصر / منصور / نصیر
ه ج م	مهاجم / هجوم / تهاجم	ع ل م	عالم / معلوم / علیم
ق ل ب	انقلاب / منقلب / تقلب	ع م ل	عامل / معمول / یعمل
غ ف ر	غافر / غفران / غفور	ح م د	حامد / محمود / حمید
ص د ق	صادق / صدیق / تصدق	س م ع	سامع / مسموع / سمیع
ع ب د	عابد / معبود / یعبدون	ش ه د	شاهد / مشهود / شهید
س ر ق	سارق / مسروق / استراق	ر ح م	راحم / مرحوم / رحیم
س ب ق	سابق / سبقه / مسابقه	ق ت ل	قاتل / مقتول / قتل
س ء ل	سائل / مسؤول / سؤال	ق ب ل	قابل / مقبول / یقبل

نکته ۲ : حروف زائد

به حروف غیر از حروف اصلی حروف زائد می گویند .

مثلاً:

در کلمه ی عالم :

« علم » ۳ حرف اصلی یا همان ریشه است و « ا » حرف زائد

در کلمه ی منصور :

« نصر » ۳ حرف اصلی یا همان ریشه است و « م - و » حروف زائد

در کلمه ی مقاتل :

« قتل » ۳ حرف اصلی یا همان ریشه است و « م - ا » حروف زائد

در کلمه ی مناظره :

« نظر » ۳ حرف اصلی یا همان ریشه است و « م - ا - ه » حروف زائد

نکته ۳ : وزن کلمه

اگر به جای ۳ حرف اصلی ،

به ترتیب ف ع ل بگذاریم

و **حروف زاید و حرکات** ————— را تغییر ندهیم ،

وزن کلمه به دست می آید :

مثلاً برای به دست آوردن وزن کلمه « **صَادِق** »

به جای « **۳ حرف اصلی** » یعنی « **ص د ق** »

به ترتیب ، « **ف ع ل** » قرار می دهیم

و حرف زائد یعنی « **ا** » و **حرکات** —————

را تغییر نمی دهیم :

ص	ا	د	ق
ف	ا	ع	ل
فـاـ		عـلـ	

پس وزن کلمه « **صَادِق** » ، « **فَاعِل** » است.

قواعد عربی نهم

نکته ۵ : وزن های مهم

مهم ترین وزن عبارت اند از :

فَاعِل - مَفْعُول - فَعِيل

نکته ۶ : وزن « فاعِل » و « مَفْعُول »

وزن « فاعِل » ، انجام دهنده ی کار را نشان می دهد و

وزن « مَفْعُول » نشان دهنده ی کلمه ای است که کار بر روی آن انجام شده :

وزن « مَفْعُول » (= صفت مفعولی فارسی)	وزن « فاعِل » (= صفت فاعلی فارسی)	۲ حرف اصلی (= ریشه)
مَفْعُول کشته شده	فَاعِل کشنده	ك_ش_ت
مَسْرُوق دزدیده شده	سَارِق دزد	س_ر_ق
مَسْمُوع شنیده شده	سَامِع شنونده	س_م_ع
مَنْصُور یاری شده	نَاصِر یاری کننده	ن_ص_ر
مَعْلُوم دانسته شده	عَالِم داننده	ع_ا_لم
مَقْبُول قبول شده	قَابِل قبول کننده	ق_ا_بِل
مَخْلُوق آفریده شده	خَالِق آفریننده	خ_ا_لِق
مَحْمُود ستایش شده	حَامِد ستایش کننده	ح_ا_مِد
مَرْزُوق روزی داده شده	رَازِق روزی دهنده	ر_ا_زِق
مَحْسُود مورد حسد قرار گرفته	حَاسِد حسودی کننده	ح_ا_سِد
مَغْضُوب مورد غضب قرار گرفته	غَاضِب غضب کننده	غ_ا_ضِب
مَرْحُوم مورد رحمت قرار گرفته	رَاحِم رحم کننده	ر_ا_حِم
مَغْفُور آمرزیده شده	غَافِر آمرزنده	غ_ا_فِر
مَضْرُوب (کتک) خورده	ضَارِب (کتک) زننده	ض_ا_رِب
مَكْتُوب نوشته شده	كَاتِب نویسنده	ك_ا_تِب
مَعْبُود پرستیده شده	عَابِد پرستنده	ع_ا_بِد
مَلْعُون لعنت شده	لَاعِن لعنت کننده	ل_ا_عِن
مَشْرُوب نوشیدنی	شَارِب نوشنده	ش_ا_رِب
مَأْكُول خورده شده، خوردنی	أَكِل خورنده	أ_كِل
مَمْلُوء پر شده	مَالِئ پر کننده	م_ا_لِئ

قواعد عربی نهم

نکته ۷ : وزن « فَعِيل »

وزن **فَعِيل** ریشه سه حرفی را به مفهوم صفت مطلق (=صفت ساده فارسی) تبدیل می کند :

رَحِيم (مهربان) ، عَلِيم (دانا) ، سَمِيع (شنوا) ، قَدِير (توانا) ،

عَظِيم (بزرگ) ، كَبِير (بزرگ) ، صَغِير (کوچک) ، جَمِيل (زیبا)

قَرِيب (نزدیک) ، بَعِيد (دور) ، كَثِير (زیاد، بسیار) ، قَلِيل (کم، اندک)

دیگر کلمات بر وزن فَعِيل :

مَجِيد ، كَرِيم ، ضَعِيف ، طَوِيل ، نَذِير ، سَرِيع ، مَرِیض ، فَقِير ، غَنِی ، عَلِيّ ، قَوِيّ

۲- فعل امر

از شش صیغه مخاطب مضارع ساخته می شود بدین ترتیب:

فعل امر از ۶ صیغه مخاطب مضارع ساخته می شود . اول حرف (تَ) را حذف

می نماییم و آخر فعل را مجزوم می کنیم . بعضی از افعال مضارع به نون (در حرف آخر) ختم می شود که برای مجزوم کردن فعل امر باید آن را حذف کنیم.

نکته مهم: در صیغه ی دوازدهم (جمع مونث مخاطب) نونی که ما قبلش ساکن است ، نون حذف نمی شود.

در صورت حذف نون ، این فعل مانند صیغه ی اول امر می شود. که کار خطا می باشد و آن نون را حذف نمی کنیم .

۱ - فعل مثنی مذکر یا مونث مخاطب :

إِذْهَبَا = بروید

ذُهِبَانِ = ذُهِبَا

تَذْهَبَانِ

إِجْلِسَا = بنشینید

جُلِسَانِ = جُلِسَا

تَجْلِسَانِ

أَكْتُبَا = بنویسید

كُتُبَانِ = كُتُبَا

تَكْتُبَانِ

۲- فعل جمع مذکر مخاطب :

إِذْهَبُوا = بروید

ذُهِبُونَ = ذُهِبُوا

تَذْهَبُونَ

إِجْلِسُوا = بنشینید

جُلِسُونَ = جُلِسُوا

تَجْلِسُونَ

أَكْتُبُوا = بنویسید

كُتُبُونَ = كُتُبُوا

تَكْتُبُونَ

نکته مهم :در پایان فعل مذکر مخاطب، الفی می آوریم که به آن الف زینتی یا زیبایی می گوئیم.

قواعد عربی نهم

۳- فعل جمع مونث مخاطب :

تَذْهَبْنَ	ذَهَبْنَ	إِذْهَبْنَ = بروید
تَجْلِسْنَ	جَلَسْنَ	إِجْلِسْنَ = بنشینید
تَكْتُبْنَ	كُتِبْنَ	أَكْتُبْنَ = بنویسید

نکته مهم : در صیغه امر ، نون جمع مونث مخاطب حذف نمی گردد..

۱- مجزوم کردن فعل مضارع: با ساکن کردن حرف آخر فعل مضارع وقتی که آخر فعل «ن» نداشته باشد یا با حذف نون از آخر فعل مضارع. (به جز نون جمع مونث که نون آن ضمیر متصل است).

۲- حذف حرف مضارعه (ت) از اول فعل مضارع.

۳- بعد از حذف حرف مضارعه (ت) اگر ابتدا به ساکن بود همزه ای به اول آن اضافه کرده و اگر ابتدا به ساکن نبود همزه نیاز نیست. (بنا بر این به جای «ت» همزه می آید)

۴- حرکت همزه بستگی به حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) دارد هرگاه حرکت دومین حرف اصلی (عین الفعل) کسره یا فتحه باشد همزه امر کسره می گیرد ولی اگر ضمه داشته باشد همزه امر مضموم خواهد بود.

تَكْتُبُ جزم ← تَكْتُبُ حذف حرف مضارعه ← كْتُبُ افزودن همزه ← اکتُبْ
گذاشتن حرکت همزه ← اُکتُبْ

تَكْتُبَانِ جزم ← تَكْتُبَا حذف حرف مضارعه ← كْتُبَا افزودن همزه ← اکتُبَا
گذاشتن حرکت همزه ← اُکتُبَا

قواعد عربی نهم

۲- (فعل نهی)

فعل نهی : فعلی است که فاعل را از انجام کار باز می دارد یعنی فعل نهی انجام ندادن کاری را از فاعل می خواهد فعل نهی به معنایی امر منفی می باشد. مانند : لا تَذْهَبْ (نرو یا مرو)

طریقه ساختن فعل نهی : فعل نهی از فعل مضارع مخاطب ساخته می شود بدین ترتیب:

۱- لا (لای نهی) را به اول فعل مضارع می افزائیم.

۲- آخر آن را مجزوم می کنیم یعنی آخرش را ساکن کرده و در صیغه هایی که دارای نون است نون های آن را حذف می کنیم به جز نون جمع مؤنث.

مانند : تَذْهَبُ = می روی لا تَذْهَبُ = نرو

نکات: ۱- در صیغه ی جمع مذکر بعد از حذف کردن حرف نون به جای آن الف زائدی می افزائیم. مانند: تَخْرُجُونَ = لا تَخْرُجُوا

۲- فرق بین لای نهی و لای نفی؟

فرق بین لای نهی و لای نفی در این است که: لای نفی آخر فعل مضارع را تغییر نمی

دهد ولی لای نهی آخر فعل مضارع را ساکن می کند یا نون آن را حذف می کند بجز

نون جمع مؤنث.

۳- شباهت بین لای نهی و لای نفی ؟ : هر دو فعل مضارع را منفی می کنند.

مانند: لا تَذْهَبُ (نمی روی) لا تَذْهَبُ (نرو)

قواعد عربی نهی

ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

در فارسی هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند و به وسیله کسره با هم ترکیبی را تشکیل دهند که در بیرون از ذهن قابل جدا شدن نباشد به آن ترکیب وصفی گفته می شود
مانند : « گل زیبا » و « مرد دانشمند » در این دو مثال ، زیبا و دانشمند صفت برای گل و مرد می باشد.

...

دو کلمه کنار هم می آیند که شرایط هر دو یکسان می باشد. (هر دو یک تنوین یا هر دو «ال» دارند. هر دو مذکر یا مؤنث – هر دو مفرد یا مثنی یا جمع)

میدانید که صفت و موصوف همراه هم هستند . و صفت را دقیقاً میتوانید همانطوری که در فارسی تشخیص می دهید اینجا هم مشخص کنید.

صفت و موصوف دوتا اسم هستند که پشت سر هم می آیند و البته ممکن است که مضاف الیه ای بیاید و مابین آنها فاصله بنماید . در ضمن میدانید که مضاف و مضاف الیه هم دوتا اسم هستند که پشت هم می آیند.

برای مطالعه: ← لازم است که بدانید موصوف و صفت در ۴ حالت باهم مطابقت دارند . در اعراب و جنس و عدد و معرفه یا نکره بودنشان . اما مضاف و مضاف الیه با هم هیچ مطابقتی ندارند .

مثال: } هذا قميصٌ رخيصٌ . این لباسی ارزان است . (این لباس ارزانی است)
} هذا قميصٌ محمدٍ . این لباس محمد است

اولین عبارت : رخیص برای قمیص صفت می باشد.

اما در دومین عبارت: محمد مضاف الیه می باشد.

قواعد عربی نهم

ضمن اینکه برای شناخت می توانید اینگونه هم نگاه کنید:

قمیص رخیص : پیراهن ارزان «» پیراهن ، ارزان است

قمیص محمد : پیراهن محمد «» پیراهن ، محمد است

همانطور که متوجه شدید جمله اول مفهوم دارد اما جمله دوم معنی نمی دهد.

اکنون به چند مورد دیگر توجه نمایید:

المثلُ خیرٌ وسیلَةٌ لِبیانِ ما فی الضمیرِ بصورةٍ نافذَةٌ

خیر وسیلَةٌ / صورةً نافذَةٌ

با نگاه به مطالب اموخته شده ، می فهمیم که **صورةً نافذَةٌ** موصوف و صفت هستند و **خیر وسیلَةٌ** مضاف و مضاف الیه است.

الامثالُ تنبع من حیاةِ المجتمعاتِ البشریةِ

حیاةُ : موصوف و مضاف / المجتمعات : مضاف الیه / البشریةُ : صفت

قواعد عربی نهم

ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)

مضاف و مضاف الیه :

اسمی که مضاف است «ال» و «تنوین» نمی گیرد.

برعکس

مضاف الیه یا «ال» یا «تنوین» می گیرد .

برای شناخت آن کافی است که جمله را به فارسی ترجمه کرده و کسره مابین دو اسم را بردارید و در آخر است بگذارید .

اگر معنی داد صفت و موصوف و اگر معنی نداشت مضاف و مضاف الیه هستند

مثل:

الطالب النظيف : دانش آموز پاکیزه . دانش آموز پاکیزه است
طالب المدرسة : دانش آموز مدرسه . دانش آموز مدرسه است .

دومی مضاف و مضاف الیه می باشد

اما از کجا بفهمیم ؟

اولا اینکه صفت مفهومش مشخص است.

دوم اینکه وقتی مثلا میگوییم کتاب محمد کافی است آن کسره را از زیر کتاب برداری و یک ویرگول بگذاری و بعد جمله را بخونی.

یعنی بگویی : کتاب ، محمد است .

جمله ، معنی ندارد ،

پس محمد مضاف الیه است.

قواعد عربی نهم

تذکر:

ضمیر متصل به اسم همیشه، مضاف الیه است.

نکته:

اگر یک اسم صفت و مضاف الیه بگیرد، اول مضاف الیه بعد صفت (برعکس زبان فارسی)

به موارد زیر در مورد مضاف توجه کنید:

۱) مضاف «ال» و «تنوین» نمی گیرد.

الْکِتَابُ + الْأُمْعَلَمُ = کِتَابُ الْأُمْعَلَمِ

کِتَابٌ + الْأُمْعَلَمُ = کِتَابُ الْأُمْعَلَمِ

۲) مضاف اسم مثنی یا جمع مذکر باشد نون از آخر آن حذف می گردد.

قَلَا حُونَ + الْقَرْیَةِ = قَلَا حُو الْقَرْیَةِ

وَالِدَانِ + کَ = وَالِدَاکَ

أَخَوَیْنِ + کُمْ = أَخَوَیْکُمْ

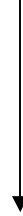
صَدِیقَتَانِ + یَ = صَدِیقَتَایَ

قواعد عربی نهم

برای مطالعه: ← - فعل ماضی:

بر انجام شدن کار یا حالتی در زمان گذشته دلالت می کند ؛ مثال :

ذَهَبَ = رفت ذَهَبْنَا = رفتیم ذَهَبْتُمْ = شما رفتید (چند زن)



- ماضی استمراری:

ماضی استمراری : بیانگر فعلی است که در گذشته به تکرار و استمرار صورت گرفته باشد.

* روش ساخت ماضی استمراری در زبان فارسی :

می (همی) + ماضی ساده:

می رفتم ، می رفتی ، می رفت می رفتیم ، می رفتید ، می رفتند

* روش ساخت ماضی استمراری در زبان عربی :

فعل کمکی «کان» + فعل مضارع هم صیغه :

كُنْتُ أَذْهَبُ : می رفتم كُنْتُمْ تَذْهَبُونَ : می رفتی

قواعد عربی نهم

نکته : ماضی استمراری را چگونه منفی کنیم ؟

۱- ((ما)) + ماضی کان + فعل مضارع هم صیغه **مَا كُنْتُ أَذْهَبُ** = نمی رفتم

۲- کان + لا + مضارع **كُنْتُ لَا أَذْهَبُ** : نمی رفتم

3- لم + مضارع مجزوم + فعل مضارع هم صیغه : **لَمْ أَكُنْ أَذْهَبُ** : نمی رفتم

ساختار مثبت و منفی فعل ماضی استمراری:

.....**✓ مثبت:** کان + فعل مضارع = کان + خبر از نوع اسم فاعل؛ مانند: کان **يَذْهَبُ** = کان

ذاهباً (می رفت)

.....**✓ منفی:** ما + کان + فعل مضارع = کان + فعل مضارع منفی = ما + کان + خبر از نوع

اسم فاعل؛ مانند: ما کان **يَطْلُبُ** / کان **لَا يَطْلُبُ** / ما کان **طَالِباً** (نمی خواست)

با سپاس فراوان از دیران محترم عربی، مجتهد ابوریحان...

تهیه کننده: علی عبیدی، دانش آموز پایه نهم

«الهم صل علی محمد و آل محمد»

قواعد عربی نهم